

وزن خوانی و آنگانی

ارشد تهماسبی
روشی ابداعی



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور
تهران، پل چوبی، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف
کدپستی ۱۶۱۹۷۵۵۱۶
تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳
www.mahoor.com
info@mahoor.com

وزن خوانی واژگانی

روشی ابداعی

نوشته‌ی ارشد تهماسبی

ویراستار محمد افتخاری
طرح روی جلد سیاوش یعقوبی
نت‌نگار علی صمدپور
حروف‌نگار و صفحه‌آرا حمید قربان‌جو
چاپ ششم ۱۴۰۰
تعداد ۱۰۰۰ جلد
لیتوگرافی باران
چاپ و صحافی پژمان

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۰۹-۷۱-۲ ISBN 978-964-6409-71-2

فهرست

۹	سر آغاز
	بخش یکم
۱۳	وزن
۱۴	هجا (سیلاب)
۱۵	بخش کردن
۱۶	انواع هجا
۱۶	نمایش هجاهای مختلف
۱۸	تمرین (۱)
۱۸	واحد هجا
۱۸	مقایسه‌ی هجاها با عدد
۱۹	هجاهای موسیقی
۱۹	کشش
۲۰	هجاهای به هم چسبیده
۲۱	تمرین (۲)

- ۲۱ آهنگ، جمله، میزان، ضرب، نت
- ۲۲ متن و آهنگ
- ۲۲ جمله در متن
- ۲۳ جمله در موسیقی
- ۲۳ ضرب = کلمه
- ۲۴ نت = هجا
- ۲۴ کلمه
- ۲۵ جمله

بخش دوم

- ۲۷ آهنگ ساده، آهنگ ترکیبی، آهنگ لنگ
- ۲۷ میزان ساده
- ۲۸ میزان ساده‌ی سه‌ضربی
- ۲۸ میزان ساده‌ی چهارضربی
- ۲۹ میزان ترکیبی
- ۳۰ میزان ترکیبی سه‌ضربی
- ۳۰ میزان ترکیبی چهارضربی
- ۳۱ ضرب زدن (ضربه زدن)
- ۳۱ کار عملی
- ۳۲ واژه‌گویی موزون

بخش سوم

- ۳۷ پایه‌های واژگانی
- ۳۷ پایه‌ها
- ۳۸ ویژگی «پایه‌واژه»ها
- ۳۸ «پایه‌واژه»های وزن ساده
- ۳۸ «پایه‌وزن»های ساده
- ۳۹ «پایه‌واژه»ها

۴۲	تمرین (۳)
۴۲	تمرین (۴)
۴۳	سکوت
۴۳	وزن خوانی با سکوت
۴۴	تمرین (۵)
۴۵	میزان‌های ساده‌ی سه‌ضربی و چهارضربی
۴۷	میزان ترکیبی $\frac{6}{8}$
۴۷	«پایه‌وزن»های ترکیبی
۴۹	توضیح درباره‌ی «پایه‌وزن» سی‌ام
۵۰	پایه‌واژه‌های ترکیبی
۵۳	وزن خوانی
۵۳	تمرین (۶)
۵۴	روش دیکته کردن
۵۵	تمرین (۷)
۵۵	میزان ترکیبی سه‌ضربی و چهارضربی
۵۶	توجه انتخاب پایه‌واژه
۵۷	انتخاب پایه‌واژه
۶۵	رابطه‌ی میزان ساده و ترکیبی

بخش چهارم

۶۹	گرد، سفید
۷۰	سه‌لاچنگ، چهارلاچنگ
۷۲	وزن خوانی سفید و گرد
۷۳	کشش‌های نقطه‌دار
۷۴	تمرین (۸)
۷۴	پایه‌های ساده (سه‌لاچنگ‌دار)
۷۸	تمرین (۹)

۷۹	تمرین (۱۰)
۸۰	پایه‌های ترکیبی (سه‌لاچنگ‌دار)
۹۷	تمرین (۱۱)
۹۷	تمرین (۱۲)
۹۸	نت زینت
۹۸	دولاچنگ نقطه‌دار
۹۹	خط اتحاد
۱۰۰	«پایه‌واژه» گذاری نت‌های متحد
۱۰۱	تمرین (۱۳)

بخش پنجم

۱۰۳	انواع میزان‌های دوضربی ساده
۱۰۵	انواع میزان‌های سه‌ضربی ساده
۱۰۶	انواع میزان‌های چهارضربی ساده
۱۰۸	انواع میزان‌های دوضربی ترکیبی
۱۱۰	انواع میزان‌های سه‌ضربی ترکیبی
۱۱۱	انواع میزان‌های چهارضربی ترکیبی
۱۱۲	میزان‌های لنگ
۱۱۴	میزان لنگ ساده و لنگ ترکیبی
۱۱۶	تمرین (۱۴)
۱۱۶	تبدیل پایه‌واژه‌ها به صداها
۱۱۷	نام نت‌ها
۱۱۸	تمرین (۱۵)
۱۱۸	تمرین (۱۶)
۱۱۹	پاسخ تمرین‌ها

سراغاز

به نظر می‌آید انسان از اولین دقایق پیدایش مالکیت به «شمردن» محتاج شده است. احتمالاً «شمردن» از زمانی آغاز شده که انسان به ذخیره و انبار کردن غذا نیاز پیدا کرده است. گروه‌های گردآورنده‌ی غذا، میوه‌ها، دانه‌ها و جانوران شکار شده را هنگام تقسیم یا انبار کردن، شمارش کرده‌اند.

در دوره‌های بعد، شکل تقسیم، برای اجتناب از تبعیض و ایجاد عدالت، از تقسیم عادی به تقسیم وزنی تبدیل شده است؛ چرا که هنگام تقسیم میوه، یا اعضای حیوانات شکار شده، و در دوره‌های بعد هنگام برداشت محصول، هیچ وقت عدالت واقعی تحقق نمی‌یافته است. معمولاً قوی‌ترها از تقسیم عددی نفع بیش‌تری می‌برده‌اند.

بنابراین محکی لازم می‌شود تا اجحاف ناشی از تقسیم عددی از بین برود. اختراع ترازو و وزنه، این محک بود. تا زمانی که انسان بتواند به تولید وزنه‌های برابر و استاندارد برسد؛ محک، وزنه‌ای بوده که فقط از جهت ثابت بودن، ایفای نقش می‌کرده است؛ یعنی با انتخاب وزنه‌ای (خواه قلوه سنگی یا تکه فلزی) و گذاشتن در یک کفه - در حقیقت نه وزنه، که پیمانانه - وزن کردن انجام می‌شده است. مثلاً برای تقسیم گوشت: سه سنگ به هر نفر.

کسی که با وزن موسیقی و علامت‌های آن آشنایی پیدا کند، ترازو و وزنه را در اختیار گرفته است. انسان به‌طور فطری دارای حس ریتم است. طبیعت، این حس را مانند حواس دیگر در وجود او به ودیعه گذاشته است. انسان همیشه در برخورد با خود، دیگران و محیط اطراف، ریتم و وزن را تجربه و تمرین می‌کند، شب و روز، صدای پا، آهنگ دوییدن، ضربان قلب و نبض، صدای چک‌های قطره‌های آب، صدای ماشین‌آلات و ده‌ها حرکت طبیعی موزون دیگر به او می‌آموزد چگونه راه برود، دست بزند، رژه برود، برقصد و...

آشنایی با موسیقی و درک وزن آن، این حس را غنی‌تر و بارورتر می‌کند. امروز موسیقی نیز همچون فنون و هنرهای دیگر، شاخه‌های مختلف دارد و وزن‌شناسی و وزن خوانی یکی از آنهاست.

در این کتاب قصد بر این است تا روشی مطرح شود که همه بتوانند با وزن خوانی موسیقی و دیکته‌ی آن آشنا شوند.

این کتاب را می‌توان «خودآموز» تلقی کرد. با آموختن روش این کتاب، بعد از آشنایی با مقدمات، هرکس که سواد فارسی داشته باشد و کشش‌های محاوره‌ای زبان فارسی را درست ادا کند (و اگر نکند، کافی است یک‌بار از دیگری بشنود) می‌تواند وزن موسیقی را از روی خط آن، که خط نت است، بخواند.

هیچ انسانی هیچ فعالیت ریتمیکی را به اندازه‌ی سخن گفتن و سخن شنیدن انجام نداده است. کلام و سخن بهترین محک برای اموری هستند که با زمان سروکار دارند؛ به‌خصوص برای ایرانیان که با کلام موزون (شعر) آشنایی فراوان دارند و وزن اشعار را معمولاً درست ادا می‌کنند. در این کتاب از کلام و زبان فارسی بهره گرفته شده است، در این روش: زبان فارسی، مترجم زبان وزن موسیقی است.

بخش یکم

وزن

علامه دهخدا در لغت‌نامه‌اش، وزن را چنین تعریف کرده است: سنجیدن، اندازه کردن، مقدار و اندازه، تعیین سنگینی و سبکی چیزی...
استاد پرویز منصوری در کتاب *تئوری بنیادی موسیقی* گفته است: «آنگاه که کسی با شنیدن یک مارش پاهای خود را به زمین می‌کوبد، یا دست‌های خود را حرکت می‌دهد، در واقع وزن آن قطعه را با حرکت‌های خود نشان می‌دهد.»^۱ به نظر می‌آید که این تعریف، بیش‌تر به بیان ضرب (جای و زمان ضربه‌ها در یک آهنگ) در میزان پرداخته است.

نباید از نظر دور داشت که حرکات درونی ضربه‌ها و احساسی که از ترکیب هجاها، در درون ضربه‌ها ایجاد می‌شود نیز در کیفیت وزن مؤثر است. چرا که اگر هنگام دست زدن با آهنگی، به ناگاه آهنگ را قطع کنیم و آهنگی دیگر را با وزنی متفاوت به شرط آن که ضربه‌های آن دقیقاً همزمان با ضربه‌های آهنگ قبلی باشد پخش کنیم؛ با آن که ضربه‌ها دقیقاً در همان جاست، احساسی متفاوت ایجاد

۱. منصوری، پرویز. *تئوری بنیادی موسیقی*. تهران، نشر چاووش، ۱۳۷۰، ص ۶۱.

بخش یکم

وزن

علامه دهخدا در لغت‌نامه‌اش، وزن را چنین تعریف کرده است: سنجیدن، اندازه کردن، مقدار و اندازه، تعیین سنگینی و سبکی چیزی... استاد پرویز منصوری در کتاب تئوری بنیادی موسیقی گفته است: «آنگاه که کسی با شنیدن یک مارش پاهای خود را به زمین می‌کوبد، یا دست‌های خود را حرکت می‌دهد، در واقع وزن آن قطعه را با حرکت‌های خود نشان می‌دهد.»^۱ به نظر می‌آید که این تعریف، بیش‌تر به بیان ضرب (جای و زمان ضربه‌ها در یک آهنگ) در میزان پرداخته است.

نباید از نظر دور داشت که حرکات درونی ضربه‌ها و احساسی که از ترکیب هجاها، در درون ضربه‌ها ایجاد می‌شود نیز در کیفیت وزن مؤثر است. چرا که اگر هنگام دست زدن با آهنگی، به ناگاه آهنگ را قطع کنیم و آهنگی دیگر را با وزنی متفاوت به شرط آن که ضربه‌های آن دقیقاً هم‌زمان با ضربه‌های آهنگ قبلی باشد پخش کنیم؛ با آن که ضربه‌ها دقیقاً در همان جاست، احساسی متفاوت ایجاد

۱. منصوری، پرویز. تئوری بنیادی موسیقی. تهران، نشر چاووش، ۱۳۷۰، ص ۶۱.

